

شناسایی و تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی (مردم‌سالاری دینی) مبثنی بر اندیشه‌ها و گفتمان رهبری انقلاب اسلامی

مسلم پیری زمانه^۱*

کاوه قدمی^۲

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی و تعیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی (مردم‌سالاری دینی) براساس اندیشه‌ها و گفتمان امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) است که با بهره‌گیری از پژوهش کیفی و رویکرد تحلیل محتوا، و تحلیل مضمون بیانات و سخنرانی‌های ایشان که در صحیفه نور و سایت امام خامنه‌ای علیه السلام موجود است، صورت گرفت. روند کدگذاری با استفاده از کدگذاری مجدد بررسی شد و پایایی بین کدگذاران ۷۹ به‌دست آمد که پایایی مطلوبی است. برای

۱. مدرس دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) piri@cuir.ac.ir

۲. استادیار گروه حکمرانی اسلامی، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران

بررسی روایی نیز از روش درگیری طولانی مدت و جست‌وجوگری بیشتر در سایر منابع موجود استفاده شد.

بررسی و تحلیل داده‌ها حاکی از آن بود که شاخص‌های اصلی و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام شامل عدالت در اقسام مختلف آن (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی)، مشارکت سیاسی برابر، حق انتخاب، حق نظارت، انتقاد، آزادی احزاب، امنیت سیاسی، دموکراسی اسلامی، حمایت از محرومان و مستضعفان، از بین بردن شکاف طبقاتی، نظارت و اظهارنظر، کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی، ارتباط عاطفی بین مردم و دولت، حاکمیت بر قلوب مردم بدون ترلز، فرهنگ مبارزه با فساد، قانون‌مداری الهی، آزادی منطقی و الهی، التزام به ولایت است. شاخص‌ها و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) شامل شاخص اعتقادی و اخلاقی مدیران و مسئولان، ولایت‌مداری، حاکمیت اسلام، نقش مردم در حکومت، سعادت مادی و معنوی، خوداتکایی، بهره‌وری ساختارها و نهادهای حکومتی، پیشگامی و استفاده از ظرفیت‌ها و اجرای حدود الهی و استقرار عدالت در جامعه است.

کلیدواژه‌ها:

مردم‌سالاری دینی، حکمرانی ایرانی - اسلامی، امام خمینی علیه السلام، امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، شاخص‌ها، مؤلفه‌ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه و بیان مسئله

۱-۱. مقدمه موضوع: حکمرانی مقوله‌ای است که همواره مورد توجه و دغدغه بشر بوده است. سرشت اجتماعی بشر همیشه او را به این موضوع سوق داده است که برای کامیابی بیشتر باید تحت مدیریت واحد حرکت کند. مدیریت واحد نیز در سطح کلان، مسئله حکمرانی را به میان می‌کشد (درزی و صدریه، ۱۳۹۴). عمل حکمرانی به‌عنوان پدیداری عام، جایی وجود دارد که مردم بخواهند کنار هم زندگی کنند. به این ترتیب تکوین مناسباتی از حکمرانی، وجه جدانشدنی یا همیشه حاضر حیات جمعی است. صرف‌نظر از نوع ترتیبات مستقر حکمرانی، اصل وجود آن، محکوم به حکم ضرورت است. هرچند عمل حکمرانی وجهی اساسی از حیات همه گروه‌های انسانی است، در عصر مدرن، این مفهوم بیش از همه با نوع خاصی از زندگی گروهی گره خورده است که در ادبیات سیاسی معاصر، دولت نامیده می‌شود (بالوی و بیات کمیتکی، ۱۳۹۳).

حاکمان جوامع بشری از دیرباز تاکنون به شیوه‌های گوناگون به اداره امور عمومی جوامع خود می‌پرداختند و درواقع عملاً شیوه‌هایی از حکمرانی را در جامعه خود به‌کار می‌بردند. هر نوع حکومتی نیازمند به‌کارگیری شیوه‌هایی از حکمرانی است تا سکان هدایت جامعه را بر عهده بگیرد و بتواند جامعه را به سرمنزل مقصود برساند؛ اما بسط و گسترش واژه «حکمرانی خوب» در علوم مدیریت به دهه آخر قرن بیستم و هم‌زمان با گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد بر می‌گردد. بانک جهانی در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر کرد، به آثار حاکمیت نامطلوب بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای درحال توسعه پرداخت. در این گزارش دیوف^۱ و همکاران (۱۹۸۹) به معرفی واژه حکمرانی خوب پرداختند و برای دستیابی به آن اصولی را معرفی کردند. به‌دنبال آن ادبیات حکمرانی در مدیریت توسعه گسترش یافت و محققان و دانشمندان به تبیین شاخص‌ها و نظریه‌های گوناگون درباره حکمرانی خوب پرداختند؛ اما قریب به اتفاق این نظریات براساس معیارها و مبانی ارزشی فرهنگ غرب بنا شده‌اند و بر جنبه‌های مادی توسعه (پیشرفت) جوامع تأکید دارند و تعالی معنوی و روحی انسان‌ها را مد نظر قرار نمی‌دهند؛ بنابراین نمی‌توانند در کشوری همچون ایران با فرهنگ غنی ایرانی -

۱. Diyoof



اسلامی چندان مفید و اثربخش باشند؛ از این رو باید با رجوع به فرهنگ غنی اسلام و بهره‌گیری از دیدگاه و سخنان دو اندیشمند و رهبر بزرگ جهان اسلام، یعنی بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی علیه السلام، و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های متناسب با حکمرانی متعالی ایرانی- اسلامی احصا شود تا با فرهنگ جامعه اسلامی ایران سازگار باشد و بتواند در هدایت جامعه اسلامی به سوی مدینه فاضله، که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول به سعادت آدمی است، مفید واقع شود.

۱-۲. ضرورت موضوع: حکمرانی صرفاً ناظر بر حکومت و دولت نیست، بلکه جامعه را نیز دربر می‌گیرد و دولت یکی از بازیگران آن و حتی بازیگر اصلی آن است. جوهره اصلی حکمرانی را تعامل یا روابط اعتمادآمیز بین دولت، بخش خصوصی و در نهایت جامعه مدنی به عنوان سازمان‌هایی مردم‌نهاد که واسطه بین مردم و دولت می‌شوند، تشکیل می‌دهد (مفتح، قاسمی و کردنژاد، ۱۳۹۴). در قرآن کریم برای اشاره به حکمرانی لفظ «حکم» به کار رفته است. برای مثال در آیه شریفه ۲۶ سوره ص («يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»)^۱ شیوه قضاوت که شاخه‌ای از حکمرانی است، مطرح می‌شود و امر به قضاوت توأم با عدالت می‌کند. در آموزه‌های قرآنی، حکمرانی به عنوان روش اعمال قدرت یا حاکمیت با مسئله امامت و ولایت گره خورده است. در برخی آیات قرآن، جایگاه ولایت که همان سرپرستی سیاسی و اجتماعی است، به خدا و رسول او و مؤمنان اختصاص یافته است (مائده/۵۵).

۱-۳. اهمیت موضوع: حکمرانی از آن جهت می‌تواند موجب سعادت و پیشرفت باشد که خوب باشد. حکمرانی خوب از عناصر و معیارهایی مانند شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری تشکیل شده است (کمیسون تحلیل حقوق بشر،^۱ ۲۰۰۴). اصول مذکور در همان حال شاخص‌ها و مصادیق تحقق آن نیز هستند؛ به این معنا که جلوه خارجی و احراز حکمرانی خوب را می‌توان در قالب این اصول مشاهده و شناسایی کرد. از آنجا که

۱. Commission on Human Rights Resolution



این آموزه از مجامع غربی اقتباس شده، امکان اجرایی شدن آن در جوامع اسلامی محل اختلاف نظر است. مخالفان تأکید می‌کنند اصول حکمرانی منبعث از اسناد بین‌المللی در تعارض با مفاهیم اسلامی هستند و از این منظر تحقق آن را مطلوب یا ممکن نمی‌دانند. بعضی دیگر از مخالفان ضمن اصالت دادن به اصول حکمرانی خوب و ترجیح آنها، تحقق اصول مذکور را با مفاهیم اسلامی ناظر بر حاکمیت و ساختار جمهوری اسلامی ناسازگار می‌دانند (مفتح، قاسمی و کردنژاد، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، همراهان بر این باورند که ظرفیت لازم برای دستیابی به این اصول در جوامع اسلامی از جمله قانون اساسی ایران وجود دارد (قلی‌پور، ۱۳۸۹). درواقع این دسته بدون در نظر گرفتن مبانی اسلام در باب حکومت و حکمرانی، اجرایی شدن اصول حکمرانی را با همان مبانی مد نظر طراحان ممکن می‌دانند.

۴-۱. مسئله اصلی: جمهوری اسلامی ایران، براساس آموزه‌های قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام و برپایه اصول اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ هجری شمسی نوع خاصی از حکومت را رقم زد که نمود آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده است. بعد از انقلاب اسلامی، قوانین و مقررات موضوعه کشور، تحت لوای این نوع نگرش تغییر کردند. امروز رویکرد مدیریت رایج دولتی با ارائه مبانی و شاخص‌های سنتی در تئوری پردازی در زمینه امور عمومی فعال است و هم‌زمان در عصر جهانی شدن، دگرگونی‌های عمده‌ای را در پارادایم‌ها و تئوری‌های حکمرانی، در محافل آکادمیک خود مطرح می‌کند و به‌ویژه حادثه عظیم قرن، یعنی رویداد بزرگ پیروزی انقلاب و حکمرانی جمهوری اسلامی در عرصه تئوری پردازی‌ها، مبانی فکری غرب و شرق را تحت تأثیر قرار داده و فرایندها، ساختارها و ارزش‌های حکمرانی و اداره امور عمومی را در همه جا به چالش کشیده است؛ بنابراین نیاز به ظرفیت‌سازی، بهبود و نوآوری در خط‌مشی‌ها و مدیریت دولتی بیش از هر زمان دیگر ضروری است و در صورتی که دولت‌ها بخواهند با چالش‌های جهانی شدن مواجه شوند و آن را مهار کنند، با واقعیت‌های جدیدی روبه‌رو می‌شوند.

کاربرد و طرح مفهوم جدید مردم‌سالاری دینی (حکمرانی ایرانی - اسلامی) یعنی «حکمرانی جامع»، برگرفته از منظومه فکری رهبر فقید انقلاب اسلامی و رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، به ما در مواجهه با چالش جهانی شدن و سایر چالش‌ها و فشارهایی که



استقلال و حق تعیین سرنوشت‌مان را تهدید می‌کند، کمک می‌کند تا به اصول و مبانی و سنت‌های اصیل اسلامی خویش بازگردیم؛ زیرا آنچه تاکنون باعث پیروزی انقلاب و تداوم آن، با وجود مشکلات و تهدیدهای فراوان شده، باور به سنت‌ها و ارزش‌های اسلام ناب بوده است.

تهیه و تدوین مقاله‌ای با عنوان شناسایی و تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی (حکمرانی ایرانی- اسلامی) مبتنی بر منظومه فکری امام خمینی علیه السلام و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عزیز، گامی ارزشمند در این جهت است. با توجه به مطالب بالا، پژوهشگر در پی پاسخ به این سؤال است که شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی (مردم‌سالاری دینی) در پرتو منظومه فکری امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) کدام‌اند؟ و مدل برگرفته از شاخص‌ها و مؤلفه‌های مربوط چگونه مدلی است؟

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱. مبانی نظری

حکمرانی معادل واژه Governance است. این واژه از ریشه یونانی Kubernan به معنای هدایت کردن گرفته شده است (فوکویاما، ۲۰۱۶^۱). از آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی که مکاتب نئولیبرال در اقتصاد گسترش یافتند این واژه به معنای امروزی خود در علوم مدیریت به کار رفت و رایج شد. این تفکر که ریشه در بی‌اعتمادی به دخالت دولت در اقتصاد دارد به مرور گسترش یافت و در کشورهای لیبرال دموکراسی به عنوان شیوه حکومت در جامعه مرسوم شد (ایوز، ۲۰۱۵^۲).

حکمرانی به عنوان شیوه‌ای خاص از ارتباطات، بین عوامل اجتماعی مختلف، اهداف خاصی را مد نظر دارد. در این رویکرد دخالت دولت مانع پیشرفت اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، ولی وجود آن به عنوان نهاد تنظیم‌گر در کنار سایر بخش‌های اقتصادی برای هماهنگی و کنترل‌های قانونی لازم است. از طرف دیگر بر نقش بازار و بخش خصوصی تأکید می‌شود. بخش سوم و مهم حکمرانی

۱. Fukuyama

۲. Ives



نهادهای مدنی و ان‌جی‌او‌ها و مردم جامعه هستند که باید برای پیشبرد اهداف جامعه مشارکت داشته باشند. هدف در نظام حکمرانی دست‌یابی به اهداف مشترک و ایجاد ارزش و توانمندسازی جامعه بر مبنای گفت‌وگو و تعامل اجزای سازنده جامعه و استفاده از همه ظرفیت‌های موجود است.

اصطلاح حکمرانی^۱ در معنای خاصی که مد نظر ماست، از دهه ۱۹۸۰ فراگیر شده است. به‌طور کلی، تغییر نظریه‌های اجتماعی و در پی آن، تغییر نگرش مردم به جهان و همچنین تغییرات گسترده‌ای که در جهان معاصر به‌وجود آمده، توجه را از نهادهای متمرکز حکومت،^۲ یعنی رویکرد قانون‌گذاری از بالا به پایین، به فعالیت‌های حکمرانی معطوف کرده است. گذار از حکومت به حکمرانی دربرگیرنده دو فرایند اساسی است: اول اینکه تعداد در حال افزایشی از بازیگران خارج از مرزهای رسمی دولت^۳ در فرایند اداره کردن ورود پیدا کرده و این فرایند، به‌جای تبعیت از ساختار سلسله‌مراتبی که توسط دولت تعریف می‌شود، بر شبکه‌هایی از بازیگران به‌هم‌مرتبط (مشمول بر بخش‌های عمومی، خصوصی و داوطلب) متکی است. دوم اینکه سازمان درونی دولت، پیچیده‌تر و چندسطحی شده و توسط نهادهای فرومیلی و فرامیلی مورد نفوذ قرار گرفته است (خواجه نائینی، ۱۳۹۳).

به‌طور کلی می‌توان گفت نظریه‌ها، رویه‌ها و مسائل مربوط به حکمرانی در مقابل نظریه‌های قدیمی دولت قرار می‌گیرند؛ بدین معنا که نظریه‌های قدیمی، دولت را به‌عنوان یک سازه یکپارچه و رسمی بدون در نظر گرفتن نقش سایر بازیگران نظیر بخش خصوصی و جامعه مدنی، محسوب می‌کردند؛ اما «سیستم حکمرانی، چارچوبی متکی بر فرایند است؛ بدین معنا که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای سیاست‌هاست که مشخص می‌کنند قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیم‌ها چگونه گرفته شوند و وظایف چگونه انجام شود» (یزدانی زازانی، ۱۳۹۱).

دولتمردان و حکمرانان در جوامع مختلف غربی و شرقی از الگوهای مختلفی استفاده می‌کنند که در اینجا با توجه به موضوع پژوهش، دو الگوی حکمرانی سلسله‌مراتبی و حکمرانی بازار که نقش

۱. Governance

۲. State

۳. Government



پررنگی در اداره دولت‌های غربی دارند و الگوی مردم‌سالاری دینی که مختص جامعه عزیزمان ایران اسلامی است، به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند:

نخست، حکمرانی سلسله‌مراتبی^۱

الگو یا سبک حکمرانی سلسله‌مراتبی به‌گونه‌ای است که در آن تصمیم‌گیری و تعاملات به‌صورت عمودی (بالا به پایین)، رسمی و مبتنی بر قدرت دولت است. در این سبک، دولت نقش حداکثری دارد و با قانون‌گذاری و روابط رسمی سعی می‌کند تعاملات را شکل دهد (حاجی‌حسینی و همکاران، ۱۳۹۰). مفهوم محوری و دال مرکزی حکمرانی سلسله‌مراتبی، «بوروکراسی» است. در سازمان‌های بوروکراتیک، کارمندان درون نظامی براساس روابط سلسله‌مراتبی مشخص، تحت قوانین و قواعد واحد، کار می‌کنند. پنج ویژگی اصلی بوروکراسی عبارت است از (موئلمن، ۲۰۰۸):

۱. تقسیم کار کاملاً مشخص و تعریف‌شده؛
۲. اقتدار مربوط به اشخاص نیست بلکه مربوط به قوانینی است که کسب‌وکارهای رسمی را اداره می‌کنند.
۳. کارمندان براساس صلاحیت‌ها و شایستگی‌های اثبات‌شده یا دست‌کم بالقوه استخدام می‌شوند.
۴. امنیت شغلی و درآمد وجود دارد و ارتقای شغلی براساس سابقه یا شایستگی صورت می‌گیرد.
۵. وجود سلسله‌مراتب منظم که در آن، مسئولان تحت اقتدار رؤسای مافوق قرار دارند.

دوم، حکمرانی بازار^۲

به‌طور ساده، الگوی حکمرانی بازار به‌گونه‌ای است که تعاملات میان بازیگران مختلف مانند

۱. Hierarchy Governance

۲. Meuleman

۳. Market Governance



دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و غیره براساس عرضه و تقاضای بازار و بدون دخالت‌های دولتی شکل می‌گیرد؛ بنابراین دولت کمترین نقش را در این میان ایفا می‌کند (حاجی حسینی و همکاران، ۱۳۹۰). اصطلاح بازار، یک استعاره است که بر مکانیسم‌های بازار و تفکر بازاری که می‌تواند در عرصه‌های غیراقتصادی نیز پیاده شود، دلالت دارد. در الگوی حکمرانی بازار، بر بازیگران فعال بخش خصوصی تأکید می‌شود و بخش عمومی، براساس مکانیسم‌های بازار اداره می‌شود (مونلمن، ۲۰۰۸). برخی از اندیشمندان، هفت ویژگی حکمرانی بازار را این گونه بر می‌شمارند:

۱. عملی کردن مدیریت حرفه‌ای در سازمان‌های بخش عمومی؛
۲. استانداردها و معیارهای ارزیابی صریح و واضح عملکردها؛
۳. تأکید زیاد بر کنترل خروجی‌ها؛
۴. حرکت به سمت تفکیک و مستقل کردن واحدها در بخش عمومی؛
۵. حرکت به سمت رقابت بیشتر در بخش عمومی؛
۶. تأکید بر سبک‌های مدیریت عملی الگوگرفته از بخش خصوصی؛
۷. تأکید بر انضباط و صرفه‌جویی بیشتر بخش عمومی در استفاده از منابع.

سوم، مردم‌سالاری دینی

واژه «مردم‌سالاری دینی» را برای نخستین بار آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۹ مطرح کردند و از آن به بعد، این اصطلاح را می‌توان در ادبیات سیاسی ایران به تکرار مشاهده کرد (سعیدی، ۱۳۹۳). مفهوم مردم‌سالاری دینی از دو واژه مردم‌سالاری و دین تشکیل شده است.

مردم‌سالاری یا دموکراسی «نوعی نظام سیاسی است که در آن تصمیم‌های همگانی را خود مردم یا نمایندگان آنان می‌گیرند و همه مردم در اعمال حاکمیت خود، آزاد و برابرند و هیچ گروه یا طبقه خاصی در این مورد، دارای امتیاز یا برتری خاصی نیست. مردم طبق قانونی که خود وضع کرده‌اند، حق عزل و نصب و نظارت بر حاکمان خود را دارند و هیچ منصبی در دموکراسی، فوق اراده و حاکمیت مردم نیست، بلکه تنها از طریق رأی مردم است که مشروعیت می‌یابد» (معینی‌پور، ۱۳۹۳).

از مفهوم دین، قرائت‌های مختلفی وجود دارد و به همین دلیل، ارائه تعریف واحدی که اجماع عمومی بر آن باشد، کار مشکلی است؛ اما در فرهنگ اسلامی و عرف عقلای متدین، دین شامل مجموعه باورها، قوانین و احکامی است که هم به اصول بینشی بشر نظر دارد و هم درباره اصول‌گرایشی وی سخن می‌گوید و هم اخلاق و شئون اجتماعی زندگی او را تحت پوشش دارد. به عبارت دیگر، دین، مجموعه عقاید، اخلاق و احکامی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار داده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱). منظور از دین در این پژوهش، دین اسلام است که جامع همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسانی است و تمهیدات نظری برای ایجاد حکومت مردم‌سالارانه را دربر دارد.

برای مفهوم «مردم‌سالاری دینی» نیز تعاریف متعددی ارائه شده است و معانی مختلفی را می‌توان از مردم‌سالاری دینی برداشت کرد. به طور کلی دیدگاه‌ها و نظرهای صاحب‌نظران و نخبگان سیاسی و دینی در خصوص مفهوم و ماهیت مردم‌سالاری دینی براساس اینکه چه مفهوم و مرتبه‌ای از مردم‌سالاری از نظر آنان مطلوب باشد و اینکه چه برداشت و قرائتی از ماهیت دین و قلمرو آن، مورد قبول و پذیرش قرار گیرد، متفاوت و متنوع است (مرندی، ۱۳۹۳). در این پژوهش بنابر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم مردم‌سالاری دینی را مفهومی مستقل که متمایز از دموکراسی اسلامی است، می‌دانیم و به عنوان جمع‌بندی، مفهوم مردم‌سالاری دینی را با اقتباس از دیدگاه ایشان بدین صورت معنا می‌کنیم: «مردم‌سالاری دینی، نظریه زیربنایی ناظر بر شکل‌گیری و اداره جمهوری اسلامی براساس خواست عموم مردم و در چارچوب قوانین و مقررات اسلام است. حکومت شکل‌گرفته براساس نظریه مردم‌سالاری دینی بر دو پایه مشروعیت الهی و مقبولیت مردم استوار است و در راستای هدایت مردم و خدمت به عموم ایفای نقش می‌کند». براساس این تعریف، مردم‌سالاری دینی را نه فقط به عنوان یک شیوه و روش حکومت، بلکه به عنوان فلسفه سیاسی و مبانی نظری تبیین‌کننده رابطه مردم و حکومت اسلامی پذیرفته‌ایم.

۲-۲. پیشینه پژوهش

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده (گان)- روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
آذربایجانی و همکاران (۱۴۰۲)، گردآوری داده به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل داده به روش تحلیلی-توصیفی	«الگوی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»	مؤلفه‌های اصلی حاصل‌آمده در این الگو عبارت‌اند از: اتکا به خود و استقلال؛ انتخاب و تربیت مسئولان مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و هویت؛ بهره‌برداری از همه منابع و ظرفیت‌ها؛ بهره‌گیری از تجارب دیگران؛ بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری؛ بهره‌گیری از مشارکت همه مردم و بالاخره بهره‌گیری از عقلانیت و منطق
قهرمان (۱۴۰۱)، گردآوری داده به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل-توصیفی	«حکمرانی اسلامی با بهره‌گیری از رویکرد غیر معرفت‌شناختی مجازی و کشف دلالت‌های سیاسی آن»	رویکرد غالب به حکمرانی اسلامی، اسلام را دستگاه معرفت‌شناسانه‌ای در نظر می‌گیرد و از دل آن درصدد است نهادها، رویه‌ها، اصول و احکام حکمرانی اسلامی را احصا و کشف کند. در این رویکرد همانند سایر دستگاه‌های معرفتی، تحلیل روی بدیهیات استعلایی خاصی استوار می‌شود. در رویکرد غیر معرفت‌شناسانه به حکمرانی اسلامی که می‌توان آن را «حکومت‌مندی اسلامی» نامید، اسلام به نیروی سیاسی فعال در زیست درون‌ماندگار سوژه‌ها بدل خواهد شد که رفتار سوژه‌ها را به واسطه نسبت‌های متغیر و هر روزه با خودشان، مقاومت در برابر بدیهیات متصلّب و سلطه‌آور زمان حال و تبدیل کردن سوژه‌های مسلمان به نیروهای خلاق حکمرانی، تنظیم و هدایت می‌کند. مهم‌ترین نمونه بارز چنین حکمرانی غیر معرفت‌شناسانه اسلامی ای (حکومت‌مندی اسلامی) را



نویسنده (گان) - روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		می‌توان در اسلام جاری در زیست سوزده‌های انقلابی در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی مشاهده کرد.
معدنی و نجاری (۱۴۰۱)، روش تحلیلی-توصیفی	«واکاوی و تبیین مؤلفه‌های حکمرانی سالم اسلامی در پرتو ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»	مسئله بهبود حکمرانی در کشورها به طرح حکمرانی خوب انجامید و در انتقاد به آن، حکمرانی سالم ارائه شد. حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی در کشورهای مختلف تأکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازمان‌دهی شود. از نتایج این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که می‌توان با تأسی از ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی، حکمرانی سالم اسلامی را با شیوه حکومتی که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است، پیاده‌سازی کرد و سبک جدیدی از حکومت و حکمرانی را در چارچوب قوانین الهی و اسلامی ارائه نمود که در راستای رشد و تعالی کشور، مفید و کارآمد باشد.
شفقت رودسری و تبرزد (۱۴۰۰)، روش تحلیلی-توصیفی	«ارائه الگوی حکمرانی متعالی اسلامی-ایرانی براساس اندیشه‌های حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری»	در جهان امروز یکی از چالش‌انگیزترین و پرکاربردترین واژه‌ها در سیاست‌گذاری عمومی و مدیریت توسعه، واژه حکمرانی است. مدل‌های حکمرانی غربی به دلیل تبعیت از فرهنگ سرمایه‌داری در راستای اهداف و منافع امپریالیستی نظام سلطه طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند؛ از این رو این الگوهای توسعه با فرهنگ ایرانی-اسلامی جمهوری اسلامی ایران سنخیتی ندارند و در صورت اجرا به دلیل عدم اقبال مردم و گروه‌های ذی‌نفع نمی‌توانند در جهت تقویت هنجارها و قوانین جامعه مدنی حرکت کنند. دین مبین



نویسنده (گان)- روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		اسلام توجه خاصی به مسئله حکمرانی و روابط اجتماعی مسلمانان با یکدیگر و حکومت دارد. مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکمرانی اسلامی بر حکمرانی خوب می‌فرماید: «اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند»؛ بنابراین به پشتوانه آموزه‌های دین مبین اسلام، فرهنگ غنی ایرانی و اندیشه‌های دو رهبر و اندیشمند بزرگ انقلاب اسلامی می‌توان به الگوی متعالی از حکمرانی ایرانی- اسلامی رسید که با فرهنگ جامعه اسلامی ایران سازگاری داشته باشد و سبب مشارکت فعال افراد و نهادهای جامعه در امور حکومتی شود.
زارعی و همکاران (۱۴۰۰)، تحلیلی- توصیفی	«الگویابی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی‌های اسلامی»	الگویابی و انتخاب یک روش کارآمد متناسب با فطرت انسان‌ها برای تأمین نیازهای ضروری زندگی مادی و معنوی آنها با توجه به پیشرفت فناوری و ضرورت‌های موجود و همچنین هدایت و سعادت آنها در جهت سیر تکاملی بشر، امری اجتناب‌ناپذیر است. در همین راستا با استخراج مؤلفه‌های حکمرانی متعالی، نقش و تأثیر آنها بر مقبولیت، کارآمدی، رضایتمندی عمومی و ثبات سیاسی جامعه بررسی شده است. طبق یافته‌های تحقیق، در صورت اجرای حکمرانی متعالی با مختصات مشخص و معین در هر کشور اسلامی، برای ارتقای اقتدار ملی آن، حکمرانی در دو مقیاس فراملی و فروملی پدیده‌ای قطعی در این فرایند خواهد بود.



نویسنده (گان) - روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
فجری و نوربخش (۱۴۰۰)، گردآوری داده به شیوه کتابخانه‌ای و روش مقایسه‌ای	«مطالعه نسبت مدل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با مدل حکمرانی خوب»	مدل حکمرانی اسلامی در جمهوری ایران با مضامینی چون «حاکمیت خدا»، «وحی‌گرایی»، «شریعت‌گرایی»، «اخلاق اسلامی» و «امامت و ولایت» قابل تشریح و توصیف است؛ اما در الگوی حکمرانی خوب مضامینی چون «حاکمیت قانون»، «مسئولیت‌پذیری افراد»، «شفافیت»، «کارآمدی» و «پاسخگویی» به‌عنوان اصول بنیادین حکمرانی به‌شمار می‌روند. مقایسه مبانی این دو الگو، بیانگر تفاوت و بعضاً تضاد میان این دو است؛ به نحوی که حکمرانی اسلامی رو به‌سوی پیشرفت و تعالی مادی و معنوی انسان در قلمرو حاکمیت خداوند دارد، اما حکمرانی خوب هدف‌گذاری خود را مبتنی بر شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در ادبیات نظری مدرن قرار داده است.
عظیمی شوشتری (۱۳۹۸)، گردآوری داده به شیوه کتابخانه‌ای	«ماهیت و شاخص‌های حکمرانی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی»	حکمرانی مطلوب، در جایگاه یکی از شاخص‌های توسعه، از ربع قرن آخر قرن بیستم مورد توجه بوده و برنامه توسعه سازمان ملل متحد نیز سبکی را با عنوان حکمرانی خوب مطرح و برای آن شاخص‌هایی را تعیین کرده است. فرضیه این مقاله چنین است که حکمرانی در جمهوری اسلامی مصلحانه است. در پاسخ به سؤال تحقیق و اثبات فرضیه، به این نتیجه رسیدیم که حکمرانی در جمهوری اسلامی برخی شاخص‌های مشترک با حکمرانی خوب و برخی شاخص‌های اختصاصی دارد و ضمناً بر دو رکن



نویسنده (گان) - روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		اساسی، امام و رهبری صالح و هدف اصلاح‌گری استوار است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر براساس هدف، توسعه‌ای و از منظر روش اجرا، توصیفی (غیرآزمایشی) از نوع اکتشافی است؛ زیرا براساس هدف پژوهش، برای شناسایی و تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی باید متن اصلی بیانات توصیف و تحلیل شود. از منظر روش گردآوری اطلاعات، روش کیفی و رویکرد تحلیل محتوای کیفی^۱ مورد استفاده قرار گرفت. در این طرح، با این پیش‌فرض که باید امکان داد تا نظریه از داده تکوین یابد، نه اینکه مقوله‌های ویژه‌ای را مورد تأکید قرار داد (بازرگان، ۱۳۹۸)، سعی شد دلالت‌ها از تحلیل بیانی استخراج شود.

الف) روش‌های گردآوری داده‌ها

در پژوهش‌های کیفی به‌جای واژه روایی از واژه‌های دقت و صحت داده‌ها استفاده می‌شود. گوبا و لینکلن چهار روش را برای تأیید صحت و درستی داده‌ها پیشنهاد کرده‌اند که از سوی بسیاری از پژوهشگران کیفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این چهار روش عبارت‌اند از: اعتبار، قابلیت اطمینان، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری که در این مطالعه بر رعایت آنها به شرح زیر سعی شد: برای اعتبار مطالعه می‌توان از روش‌های مختلف مانند درگیری طولانی‌مدت، مشاهده مداوم، سه‌سوسازی، پرسش و جست‌وجوگری از همکاران و کاوش به‌وسیله افراد مطالعه استفاده کرد (هالووی و ویلر، ۲۰۱۰). در

۱. Quality Content Analysis

۲. Holloway & Wheeler

این پژوهش، از روش درگیری طولانی مدت و پرسش و جست‌وجوگری از همکاران استفاده شد. به لحاظ ارتباط موضوع با شرایط کاری، درگیری طولانی مدتی با داده‌ها وجود داشت؛ بدین صورت که متن اصلی به دقت مطالعه می‌شد (چندین و چند بار). در این مدت یادداشت‌برداری‌هایی از پیام‌ها و فحوای متون انجام می‌گرفت. علاوه بر این از یک محقق باتجربه در پژوهش کیفی در فرایند کدگذاری و برداشت‌های متنی نظرخواهی و مشورت گرفته شد. سه بند اول، با همکاری وی کدگذاری شدند. برای کاوش به‌وسیله افراد مطالعه، متن تحلیل‌ها و کدبندی‌ها در اختیار چند تن از اعضای هیئت علمی متخصص قرار گرفت و خواسته شد تا هرگونه اصلاح، تغییر یا تعدیلی که لازم است، اعمال کنند. در این فرایند، تعدیل‌هایی صورت گرفت.

ب) روش‌های تحلیل داده‌ها

روش تحلیل داده‌ها و اطلاعات، تحلیل مضمون^۱ بود که روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (بران و کلارک،^۲ ۲۰۰۶). به بیان محمدپور (۱۳۹۲)، تحلیل مضمون تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی است که در آن محقق با طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. به عبارتی تحلیل مضمون عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. علت استفاده از این روش تعیین مضامین و مقوله‌های مرتبط با دلالت‌های بیانیه برای شناسایی، شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی- ایرانی بود.

ج) جامعه و نمونه

در شناسایی مؤلفه‌ها (دلالت‌ها) با این هدف که اطلاعات و مقوله‌ها باید از متن اصلی به دست آید، جامعه شامل متن اصلی بیانات امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در سایت مقام معظم رهبری به نشانی Khamenei.ir و بیانات امام خمینی (ره) در صحیفه نور است.

۱. Thematic Analysis

۲. Braun & Clarke

۴. یافته‌های پژوهش

الف) شاخص‌ها و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی (حکمرانی اسلامی- ایرانی) از دیدگاه امام خمینی

امام خمینی علیه السلام یک پیشوای عادی و یک رهبر معمولی نبود و انقلاب و قیام ایشان ضدسلطه، استبداد و ظلم نیز انقلابی همانند سایر انقلاب‌ها نیست، بلکه تفاوت‌ها و اختلاف‌های زیادی با آنها دارد. انقلاب اسلامی به‌خوبی می‌دانست که چه چیزی را می‌خواهد از بین ببرد و چه چیز به‌وجود آورد و هدف نهایی‌اش چیست. امام علیه السلام توانست حکومتی را برپا کند که همواره برای ایجاد آن تلاش می‌کرد. از نظر امام، شریعت این حکومت، اسلامی؛ روش آن، بر مبنای عدالت و هدف آن یاری مستضعفین، پابرهنگان، مظلومین و ستم‌دیدگان بود. اندیشه حکومت از نظر امام، واضح و مشخص بود؛ زیرا ایشان، ماهیت حکومت مد نظر خود را در کتاب معروف خود «حکومت اسلامی» و در بسیاری از نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و جلساتی که در آن برای مردم یا طلاب علوم دینی سخن می‌گفتند، بیان کرده و اندیشه‌های خود را پیرامون حکومت اسلامی و مسائل مربوط به آن، کاملاً مشخص و واضح مطرح کرده بودند. بنابراین در این پژوهش با رجوع به صحیفه نور و سخنرانی‌ها و بیانات ایشان، مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی حکمرانی اسلامی- ایرانی از دید ایشان، استخراج و در جدول ۲ ارائه شد:

جدول ۲: متن اندیشه‌ها و بیانات امام خمینی علیه السلام بر مبنای تحلیل مضمون

کدهای مستخرج	متن پیام
- عدالت اجتماعی - فقدان ظلم و ستم	حکومت مطلوب از منظر امام، حکومتی است که محتوا و ماهیت آن را عدالت، مردمی بودن و اسلامی بودن تشکیل می‌دهد: «ما که می‌گوییم حکومت اسلامی می‌گوییم حکومت عدل» (صحیفه امام، ج ۳: ۵۰۹). به‌طور کلی نظام سیاسی و قانون اساسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که نهادها بتوانند بر یکدیگر نظارت داشته باشند و این همان آیین معروف امر و نهی است که حکومت را به عدالت نزدیک می‌سازد. در اسلام ظلم و ستم وجود ندارد. آزادی در اسلام برای همه اقشار اعم از زن و



کدهای مستخرج	متن پیام
	مرد و سیاه و سفید، برای همه است. از حالا مردم باید از خود بترسند نه از حکومت. از این بترسند که مبدا مرتکب تخلفی بشوند. حکومت عدل در برابر تخلف ایستادگی و متخلفین را مجازات می‌کند. از امروز دیگر پلیس مخفی و آزار و اذیت‌های پلیس مخفی وجود نخواهد داشت.
- مشارکت و نظارت همگانی - عدالت سیاسی - بی‌اعتنا نبودن و مشارکت همگانی در همه امور	«آگاهی مردم و مشارکت و نظارت همگانی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضامن حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (صحیفه نور، ج ۴: ۲۴۸). امام علیه السلام مشارکت سیاسی را متعلق به همه مردم می‌داند؛ از این رو در مشارکت همگانی نباید تبعیضی میان مردم ایجاد شود. به سخنی دیگر، از آنجا که مردم از رشد و آگاهی سیاسی برخوردارند، ضروری است که در همه امور نظارت کنند. در واقع تحقق حاکمیت الهی جز از راه حکومت و مقبولیت مردمی که به حکومت، توانایی اجرای قانون را می‌دهد، ممکن نیست. بر این اساس مشروعیت الهی بدون مقبولیت مردم عملاً تحقق نمی‌یابد. «این یک تکلیفی است برای همه ما که راجع به اموری که مربوط به سرنوشت ملت‌مان، مربوط به اسلام است، بی‌تفاوت نباشیم» (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۴۹). در اندیشه تشیع همه مردم وظیفه دارند با نهادهای امر به معروف و نهی از منکر به صورت یک نهاد نظارتی تمام‌عیار در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، رابطه بین مردم با مردم و مردم با دولت را براساس این نهاد تنظیم کنند.
- مشارکت سیاسی برابر - امر به معروف و نهی از منکر	امام خمینی با اشاره به حدیث نبوی «کلکم راع و کلکم مسئول» از این مشارکت یاد می‌کند و بدین رو مردم را موظف می‌داند که بر امور سیاسی و حتی بر رهبری نظام نظارت داشته باشند: «همه و همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند بر این امور ... اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی. خودت را حفظ کن. مسئله، مسئله مهم است. همه ملت موظف‌اند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است» (صحیفه امام، ج ۸: ۵).



کدهای مستخرج	متن پیام
	از نظر امام خمینی، امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمانان واجب است. ایشان تبلور امر به معروف را حضور مردم در صحنه سیاسی و دخالت در این حوزه و نظارت بر آن می‌دانند و آن را فریضه‌ای می‌شمارند که زمینه‌ساز مشارکت سیاسی است.
- حق انتخاب - مشارکت اکثریت - مردم برای انتخاب اصلح	امام خمینی به‌عنوان بنیان‌گذار نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه معتقدند ولایت امور مسلمانان و تشکیل حکومت دینی گرچه با مشورت و حقانیت الهی آمیخته است، اما با اقبال اکثریت جامعه بروز و ظهور می‌یابد. بدین ترتیب مردم محق شمرده شده‌اند تا به انتخاب پیردازند (لکزایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). امام خمینی می‌فرماید: «فقیه جامع‌الشرايط ولایت در جمیع صور دارد، لکن تولى امور مسلمین و تشکیل بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر شده است به بیعت با ولی مسلمین» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۵۹).
- حق نظارت و انتقاد	از دیگر حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم در زمینه مشارکت سیاسی، حق انتقاد و نظارت است. این اصل در فقه اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. هر فردی از افراد ملت حق دارد که به‌طور مستقیم در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد؛ در غیر این صورت اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبه‌خود از مقام زمامدار معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این شکل را حل می‌کند (صحیفه نور، ج ۵: ۴۰۹).
- آزادی احزاب - مشارکت شهروندان در سیاست	تحقق مشارکت شهروندان در سیاست و امور کشور و انتخاب کارگزاران بدون همکاری با یکدیگر تقریباً ناممکن است. امام خمینی علیه السلام فعالیت احزاب سیاسی را در چارچوب مصالح ملی می‌دانند و می‌فرمایند: «هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم مصالح ملی را به خطر نیندازند، آزادند و اسلام در تمامی شئون حدود مرز آن را تعیین کرده است» (صحیفه نور، ج ۴: ۲۶۶).



کدهای مستخرج	متن پیام
- امنیت سیاسی - برابری در برابر قانون	ایشان امنیت را نعمت می‌دانند و در موارد متعددی آن را می‌ستایند. برای مثال در یکجا پس از مقایسه نظام پهلوی با نظام جمهوری اسلامی، می‌گویند: «دوران ناامنی و هراس مردم و نخبگان به پایان رسیده است». در موارد مشابه دیگری نیز می‌گویند: «دولت در خدمت مردم است و از زورگویی و استبداد که منشأ اصلی ناامنی و هراس و ترس عمومی در یک جامعه به‌شمار می‌رود، خبری نخواهد بود» (صحیفه امام، ج ۶: ۲۵۶).
- دموکراسی اسلامی - برابری میان مردم - تعیین‌کنندگی رأی مردم	در یک مصاحبه با رادیو و تلویزیون هلند در پاسخ به نوع حکومت جایگزین نظام شاهنشاهی گفته‌اند: «رژیمی که به‌جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست رژیم عادلانه‌ای است که شبیه به آن رژیم در دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست مشابه باشد؛ اما آن دموکراسی‌ای که ما می‌خواهیم به‌وجود آوریم در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام کامل‌تر از دموکراسی غرب است» (صحیفه امام، ج ۴: ۳۱۴؛ صحیفه امام، ج ۶: ۴۵۸). امام خمینی رحمه‌الله دموکراسی را در مفهوم واقعی و خالص آن که به‌معنی آزادی و عدالت و برابری میان مردم است، می‌دیدند؛ یعنی عقیده داشتند که این نظریه تأمین‌کننده حقوق انسان است.
عدالت اقتصادی	امام خمینی رحمه‌الله رفاه مردم را از اهداف ملی دولت اسلامی می‌دانند: «همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند» (صحیفه نور، ج ۷: ۳۲).
حمایت از محرومان و مستضعفان	حضرت امام رحمه‌الله لزوم توجه به وضع محرومان و رسیدگی به آنها را به مسئولان یادآوری می‌کردند؛ از جمله در اولین روز استقرار رسمی نظام جمهوری اسلامی - دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ - در این باره چنین می‌فرمایند: «... باید مستضعفین را حمایت بکنند. باید مستضعفین تقویت شوند؛ زیرو رو بشوند. مستکبر باید مستضعف بشود و مستضعف باید مستکبر بشود. نه مستکبر به آن معنی بلکه



کدهای مستخرج	متن پیام
	همه باید با هم برادر و در این مملکت باشند» (صحیفه امام، ج ۴: ۳۸۴ - ۳۸۲).
از بین بردن شکاف طبقاتی	«این معنا امروز دیگر عملی نیست که یک دسته‌ای آن بالاها باشند و همه آن چیزهایی را که بخواهند به‌طور اعلیٰ تحقق پیدا کند، پارک‌ها، اتومبیل‌ها و ... یک دسته هم این زاغه‌نشین‌ها باشند که اطراف تهران‌اند. این نه منطق اسلامی دارد نه منطق انصافی دارد. شماها باید فکری برای اینها بکنید. برای حفظ خودتان، خانواده‌تان، ثروت و حیثیت‌تان خودتان بنشینید با هم تفاهم بکنید. باید فکری بکنید که این تفاوت طبقاتی به این‌طور نباشد. یک تعدیلی بشود. اسلام تعدیل می‌خواهد» (صحیفه امام، ج ۸: ۳۶).
عدالت قضایی	ایشان می‌فرمایند: «باید خیلی توجه بکنند آقایان قضات، آقایان دادستان‌ها، کسانی که متکفل این امر مهم اسلامی هستند که مسئولیت زیاد است و لازم هم هست که شما مسئولیت را به عهده بگیرید. باید وارد شد لکن در یک امر بزرگی است. توجه بکنند که جان و مال و ناموس یک ملت در دست این قضاوت است و در دست این دادگاه‌هاست و مسئول این مسائل هستند و باید تا آن مقداری که می‌توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالح عمومی؛ نه اینکه گناهکار است، از او بگذرند و نه آن که خدای نخواستہ گناهکار نیست، یک وقتی مبتلا بشود» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۲۵۲).
نظارت و اظهارنظر	«باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهارنظر بکنند. ملت باید الان همه‌شان ناظر امور باشند، اظهارنظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می‌کند دولت، انتقاد بکنند اگر یک کار خلاف دیدند» (صحیفه امام خمینی، ج ۶۸: ۱۹۳).
- کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی	یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که ضامن بقای یک حکومت است کارایی و اثربخشی در بهبود زندگی افراد جامعه است؛ به‌طوری که هر چه یک حکومت از



کدهای مستخرج	متن پیام
- نظارت بر تنظیم بازار - تخصیص بهینه منابع - تجارت خارجی با در نظر گرفتن اصل استقلال و خودکفایی و جلوگیری از مونتاز - حمایت از صنایع داخلی	پاسخ به نیازهای معیشتی مردم بهتر بتواند برآید، مشروعیت و جلب مشارکت مردم در پیشبرد امر حکمرانی را بیشتر به دست می آورد. امام خمینی علیه السلام همواره در طول دوران حکومت به این امر توصیه می کردند و یادآور می شدند: «آنچه اساس ضعف دولت و جدایی مردم از دولت است عبارت است از کیفیت عمل دستگاه‌هاست» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۳۷۹). در مجموع حضرت امام علیه السلام درباره وظایف دولت که ناظر بر کارآمدی است و کارایی و اثربخشی را به دنبال خواهد داشت بر چهار وظیفه محوله تأکید دارند: الف) نظارت بر تنظیم بازار؛ ب) تخصیص بهینه منابع؛ ج) تجارت خارجی با در نظر گرفتن اصل استقلال و خودکفایی و جلوگیری از مونتاز؛ د) حمایت از صنایع داخلی (حسین زاده، ۱۳۷۹: ۶۹).
- ارتباط عاطفی بین مردم و دولت - همگامی دولت و ملت	از منظر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در حکومت اسلامی باید کارگزاران حکومت میان مردم باشند، از مردم فاصله نگیرند، مسئولین پاسخگو و خدمتگزار مردم باشند. ایشان در جایی دیگر در این خصوص می فرمایند: «اساس، مقصد عالی ما، مقصد اصلی ما، مقصدی بود که خدای تبارک و تعالی آن را به ما امر کرده و آن اینکه حکومت باید حکومت الهی باشد، اسلامی باشد، حکومتی باشد که خود مردم می خواهند آن حکومت را. حاکمیت قلوب میان دولت و ملت اساس همگامی آنان در اداره امور کشور است». حضرت امام علیه السلام می فرمایند: «من لازم می دانم که به شما آقایان که در رأس بعضی از کشورهای اسلامی هستید نصیحت کنم. شما کوشش کنید که حکومت بر قلوب کشورهای خودتان بکنید، نه حکومت بر ابدان مسلمین. اگر بخواهند موفق بشوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آنها بیرون بیایند، حکومت‌های آنها باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را به دست بیاورند.
حاکمیت بر قلوب مردم بدون تزلزل	شما آقایان کوشش کنید. شما سران کشورها کوشش کنید و به دیگر سران کشور هم سفارش کنید که آنها هم نظیر ایران حکومت بر قلوب مردم بکنند. اشکال



کدهای مستخرج	متن پیام
	مسلمین این است که در بسیاری از حکومت‌ها، حکومت بر ابدان است، آن هم با فشار و لهدا موفق نیستند. اگر ما حکومت بر ارواح بکنیم و سران کشورهای اسلامی حکومت بر ارواح بکنند و قلوب ملت‌ها را به دست بیاورند، با این کثرت جمعیت و با این مخازن زیاد اینها آسیب‌پذیر نخواهند بود» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۱۸۱-۱۷۹).
- فرهنگ مبارزه با فساد. - اصلاحات در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی براساس معیارهای اسلامی	حضرت امام علیه السلام مبارزه با فساد با اتکا به موازین و معیارهای اسلامی را اساس کار جمهوری اسلامی می‌دانستند. ایشان در مصاحبه‌ای که در ۱۱ آذر ۵۷ با تلویزیون سراسری ایتالیا داشتند این‌گونه بیان فرمودند: «اساس کار یک جمهوری اسلامی تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت‌ها و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی اصلاحات لازم را به عمل آورد که این اصلاحات با مشارکت کامل همه مردم خواهد بود و هدفش قیل از هر چیز از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم ماست که از همه جهت مورد ظلم واقع شده‌اند» (صحیفه نور، ج ۴: ۶).
- قانون‌مداری الهی - التزام به قواعد و قانون - امتزاج حق طبیعی و فطری با حق شرعی و الهی	امام علیه السلام می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم احکام اسلام در همه جا جریان پیدا کند و احکام خدای تبارک و تعالی حکومت کند. در اسلام حکومت، حکومت قانون، حتی حکومت رسول‌الله و حکومت امیرالمؤمنین، حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است. آنها به حکم قانون واجب‌الاطاعه هستند. پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می‌کند در مملکت اسلامی. باید قانون خدا حکومت کند و غیر قانون خدا هیچ چیز حکومتی ندارد. اگر رئیس‌جمهوری در مملکت اسلامی وجود پیدا بکند، این اسلام است که او را رئیس‌جمهور می‌کند. قانون خداست که حکم فرماید» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۵۸: ۲۰۱؛ صحیفه نور، ج ۷: ۲۰۱۵). برداشت امام خمینی علیه السلام از حکومت گاهی به مثابه تعهد و التزام به قواعد و قانون



کدهای مستخرج	متن پیام
	است که هم فقیه و هم شهروندان موظف به اجرای آن هستند که این نزدیک به مفهوم اجتماع مدنی است و گاهی به معنای تعهد و التزام به قواعد و قانون شریعت است که به مفهوم اجتماع متعهد نزدیک است. در واقع ایشان حق طبیعی و فطری را جدای از حق شرعی و الهی نمی‌بینند و معتقدند: «دولت در خدمت حکومت اسلامی، در خدمت مردم است و باید خدمتگزار ملت باشد» (امام خمینی ره، ۱۳۵۸: ۲۰۰).
آزادی منطقی و الهی اسلام آزادی با هم	یکی از اهداف مهم و مبانی حکومت اسلامی و نظام سیاسی اسلام که معمولاً در همه نظام‌های سیاسی و حرکت‌ها و جنبش‌های انقلابی بر آن بسیار تأکید می‌شود بحث آزادی است. این هدف در شعارهای مردم در زمان نهضت اسلامی در دوران حکومت پهلوی کاملاً مشهود بود؛ به گونه‌ای که شعار اصلی و همیشگی راهپیمایی‌ها که بیانگر هدف و خواسته اصلی مردم بود شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود. امام خمینی تصریح کردند: «ما اسلام را می‌خواهیم که اسلام آزادی به ما بدهد نه آزادی منهای اسلام».
- التزام به ولایت فقیه - ولی فقیه ضامن حفظ اسلام	حضرت امام ره ولایت فقیه را چشم و حافظ نظام می‌دانستند. بررسی سخنان و سیره عملی ایشان ثابت می‌کند که امام معتقد به نقش نظارتی ولی فقیه بودند. با وجود مراجعات مکرر مسئولان به ایشان و درخواست راهنمایی و اتخاذ تصمیم، تا حد امکان در امور اجرایی و قانون‌گذاری و قضایی دخالت نمی‌کردند و از همه می‌خواستند طبق ضوابط قانونی و از طریق مسئولان هر قوه عمل کنند (باخوان، ۱۳۹۶: ۳). حضرت امام ره با آوردن حدیثی از پیامبر در خصوص جانشینی این‌طور نتیجه‌گیری کرده‌اند که «ولایت فقیه با در نظر گرفتن شرایطی که عدالت، علم و پابندی کامل به احکام اسلام از آن جمله است، واجب می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۵۸: ۹۶).



ب) شاخص‌ها و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی (حکمرانی اسلامی- ایرانی) از دیدگاه امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

مقام معظم رهبری (دامت برکاته) با تبیین فرایند پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت اسلامی بر این نکته تأکید دارند که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و تثبیت قانون اساسی در سال‌های ابتدایی، مراحل اول و دوم گام‌های پنج‌گانه انقلاب اسلامی محقق شده است، اما به‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته، دولت اسلامی در معنای حقیقی محقق نشده است و تأکید دارند که باید دولت اسلامی به‌عنوان گام سوم از روند تحقق تمدن اسلامی هرچه زودتر محقق شود. از منظر معظم‌له، دولت اسلامی متشکل از مجموعه نهادها و کارگزاران و نه صرفاً قوه مجریه است و آنچه عملاً دولت را متصف به اسلامی بودن یا نبودن آن می‌نماید، عملکرد و جهت‌گیری اسلامی است (محمدی مزرعی و نادری، ۱۳۹۷). بنابراین می‌توان مقصود ایشان از دولت اسلامی را همان تحقق مردم‌سالاری دینی دانست. در دیدگاه مقام معظم رهبری، دولت به‌معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می‌شود: «دولت به‌معنای عام نه به‌معنای هیئت‌وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹). از این‌رو در این بخش با توجه به نگاه معظم‌له به حکمرانی ایرانی - اسلامی، تلاش می‌شود با رجوع به بیانات ایشان شاخص‌ها و مؤلفه‌های مرتبط احصا و تبیین شود که در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: متن اندیشه‌ها و بیانات امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) بر مبنای تحلیل مضمون

متن پیام	کدهای مستخرج
اولین شاخص دولت اسلامی شاخص اعتقادی و اخلاقی است؛ به‌خصوص در مسئولان رده‌های بالا- سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود. علاوه بر منابع اسلامی- که حالا ممکن است از منابع اسلامی افراد گوناگونی تلقی‌های مختلفی داشته باشند. ما مجموعه رهنمودهای امام بزرگوار را داریم. امام مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه ماست. خب مجموعه بیانات امام، مجموعه موضع‌گیری‌های امام، مجموعه	- سلامت اعتقادی - سلامت اخلاقی - سلامت عملکردی



کدهای مستخرج	متن پیام
	رهنمودهای امام در اختیار ماست. این شد آن شاخص (بیانات معظم له، ۱۳۹۲/۶/۶).
ولایت مداری	مقام معظم رهبری^(مد ظله العالی) با به کار بردن کلمه ولایت به جای واژه حکمرانی، به بیان ویژگی‌های حاکم جامعه اسلامی می‌پردازند و به اهمیت ارتباط و همبستگی مردم با ولی یا حاکم جامعه اسلامی اشاره می‌کنند. ایشان می‌فرمایند در اسلام، بیشتر از همه بر روی کلمه «ولایت» تکیه شده است. هم در واقعه غدیر و هم در آیه شریفه «اتّما ولیکم الله ورسوله»، پدیده حکومت را با نام «ولایت» بیان کرده است.
عدالت محوری	عدالت در دیدگاه ایشان اساس پیشرفت است و پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داشت که تمدن پرجلوه غرب امروز به آن دچار شده است (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶). عدالت در منظومه فکری ایشان به قدری اهمیت دارد که می‌فرمایند: «جامعه اسلامی باید دنبال عدالت هم برود و اگر عدالت نیست، آن را تأمین کند. اگر در دنیا دو نقطه وجود دارد که یکی نقطه عدل و یکی نقطه ظلم است و هر دو هم غیراسلامی هستند، اسلام به آن نقطه عدل ولو غیراسلامی است، توجه موافق دارد» (بیانات، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰).
حاکمیت اسلام هدف اسلام و حاکمیت اسلام در ایمان و عمل	«علت اینکه امام پیروز شد چون هدف خود را که حاکمیت اسلام است، صریح بیان کرد. البته اسلام که امام فرمود در دو بخش قابل توجه است: یکی، بخش اسلام در قالب نظام؛ امام اینجا خیلی سخت گیر بود و به یک کلمه کم یا زیاد راضی نمی‌شد. به یک مسامحه چه در مسائل اقتصادی، چه غیره، راضی نمی‌شد. همه جای اسلام، نظام اسلامی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، قضاوت اسلامی و دستگاه‌های گوناگون باید بر طبق مصالح خط اسلام و راه حاکمیت اسلام را دنبال کنند. امام این را دنبال می‌کرد و تا آنجا که توانست، تلاش کرد. چهره دوم در مورد پابندی به اسلام، عمل فردی اشخاص است. در اینجا دیگر آن صلابت و قاطعیت و اعمال قدرت وجود ندارد. اینجا موعظه، نصیحت، زبان خوش و امر به معروف است. امام به این عقیده داشت. پس اول چیزی که در خط امام، مهم است، تعقیب



کدهای مستخرج	متن پیام
	هدف اسلامی و حاکمیت اسلامی در صحنه ایمان و در صحنه عمل است.»
- نقش مردم در حکومت - مردم‌سالاری دینی	«اهمیت ملت در مردم‌سالاری بالا می‌رود؛ یعنی ملت شخصیت پیدا می‌کند، وجهه‌ای عمومی و دنیایی پیدا می‌کند، عزت و حرمت پیدا می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری ^(مد ظله العالی)). «چند کلیدواژه اصلی هست. این کلیدواژه‌های اصلی را فراموش نکنید. مسئله «نقش مردم در حکومت» یکی از این کلیدواژه‌هاست» (بیانات مقام معظم رهبری ^(مد ظله العالی) ، ۱۳۹۶/۱۱/۹).
- سعادت مادی و معنوی - پیشرفت مادی و معنوی - تعالی معنوی و رفاه مادی با هم	«هدف جمهوری اسلامی عبارت است از رسیدن به آرمان‌های اسلام، یعنی سعادت مادی و معنوی بشر، یعنی پیشرفت در امور زندگی مادی و معنوی» (بیانات مقام معظم رهبری ^(مد ظله العالی) ، ۱۳۹۲/۲/۱۹). «معنویت دینی باید عنصری اصلی در حرکت و پژوهش علمی قرار گیرد. در این صورت اخلاقی شدن جامعه نیز تحقق پیدا خواهد کرد» (بیانات، ۱۳۸۸: ۱۸۵). «معنویت دینی با پیشرفت‌های زمان نه تنها مخالف نیست بلکه متدینین و اهل معنا را در جهت دستیابی به پیشرفت مادی و معنوی سوق می‌دهد و تفکری که امروز از طریق انقلاب به دنیا عرضه شده بسیار نو و مبتنی بر مذهب است. تفکر معنوی عرضه‌شده در انقلاب اسلامی به دنیای کنونی تفکری پویا و پیشرفته است» (بیانات مقام معظم رهبری ^(مد ظله العالی) ، ۱۳۶۸: ۴۹۵).
- خوداتکایی - تکیه بر ظرفیت‌ها و استعدادهای داخلی	«بنابراین، این هم یک نکته است که همه عوامل و عناصر قدرت باید در داخل تقویت بشود: قدرت دفاعی، قدرت بحث منطقه‌ای، مانند اینها» (بیانات مقام معظم رهبری ^(مد ظله العالی) در دیدار نخبگان جوان علمی). «راه همانی است که عرض کردیم: تکیه به استعداد درونی، تکیه به ظرفیت‌های داخلی کشور، تکیه به همین جوان‌ها، تکیه به ابتکاری که جوان‌ها می‌زنند، کاری که دنبال می‌کنند، دانشی که تحصیل و تبدیل به فناوری می‌کنند» (بیانات معظم له، ۱۳۹۶/۷/۶).
بهره‌وری نهادها و ساختارهای	از آنجا که هر نظام سیاسی و اجتماعی برای پیشبرد اهداف و آرمان‌های خود باید نهادهای منطبق با اعتقادات خود را ایجاد کند، امام خمینی ^(ره) نیز از همان ابتدای

کدهای مستخرج	متن پیام
حکومتی	پیروزی انقلاب با رأی و نظر مردم نهادهایی چون مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام را که برخاسته از آموزه‌های دینی و مقتضیات زمانی و مکانی جمهوری اسلامی بودند، ایجاد کردند. مقام معظم رهبری نیز در سال‌های پس از رحلت امام علیه السلام که مسئولیت رهبری نظام اسلامی را به عهده داشته‌اند، همواره از نهادهای قانونی کشور حمایت کرده‌اند: «بنده از تمام نهادهای قانونی کشور به جد دفاع می‌کنم. آنچه در مورد اشخاص و شخصیت‌ها و نهادها برای من مهم است دفاع از جایگاه و مسئولیت آنها و کمک به حسن انجام کارشان است» (بیانات، ۱۳۷۹/۴/۱۹).
قوه مجریه رکن اصلی و بازوی اجرایی	قوه مجریه و نهادهای مرتبط قوه مجریه که در عرف سیاسی ایران معمولاً دولت نیز خوانده می‌شود، جایگاه مهمی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد. در واقع یکی از ارکان اصلی در تشکیل دولت اسلامی، قوه مجریه است. در نظام جمهوری اسلامی ریاست جمهوری شأن مهمی است، بازوی اجرایی نظام دولت و رئیس جمهور است (مصاحبه، ۱۳۸۰/۳/۱۸). ایشان خاطر نشان می‌کنند که نباید دولت قوه مجریه جدای از نظام دیده شود، بلکه دولت را فعال اصلی در صحنه کشور معرفی می‌کنند که هرگونه موفقیت آن موفقیت نظام اسلامی است (بیانات مقام معظم رهبری مد ظله العالی ، ۱۳۸۱/۵/۲۷).
ولایت فقیه تعیین‌کننده نقشه راه	«نقش ولایت فقیه این است که از حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش پاسداری و دیده‌بانی کند» (بیانات مقام معظم رهبری مد ظله العالی)، ۱۳۸۳/۳/۱۴.
ایمان، شجاعت، پیشگامی و استفاده از ظرفیت‌ها	«همچنین ایمان، شجاعت، پیشگامی، ایستادگی بر مبانی نظام، ایستادگی در برابر دشمنان، روزآمدی و نوآوری، وحدت و انسجام ملی، کار و تلاش فداکارانه، به میدان آوردن همه ظرفیت‌های فردی و جمعی» (بیانات مقام معظم رهبری مد ظله العالی)، ۱۳۹۱/۳/۷ را نشانه‌های یک مجلس موفق بیان می‌کنند.
اجرای حدود	از نظر مقام معظم رهبری، سازگار قوه قضاییه در مقام یک رکن اساسی کشور در

کدهای مستخرج	متن پیام
الهی و استقرار عدالت	قانون اساسی پیش‌بینی شده که از جهات مختلف نیز متقن و اطمینان‌بخش است. به‌عنوان نمونه، تعیین وظایف و تکالیف محول‌شده به این قوه در قانون اساسی تضمین‌کننده این معناست که دستگاه قضا بتواند به وظیفه خود عمل کند که یک جهاد فی سبیل الله است (بیانات مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی) ، ۱۳۸۰/۴/۷). ایشان اجرای حدود الهی و استقرار عدالت را مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه می‌دانند (بیانات مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی) ، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳).

در ادامه و در جدول ۴ مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر بر مبنای اندیشه‌ها و گفتمان رهبری انقلاب اسلامی ارائه‌شده است.

جدول ۴: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر بر مبنای اندیشه‌ها و گفتمان رهبری انقلاب اسلامی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی-اسلامی (مردم‌سالاری دینی)	عدالت اجتماعی	عدالت اجتماعی فقدان ظلم و ستم
	عدالت سیاسی	نظارت و اظهارنظر مشارکت سیاسی برابر عدالت سیاسی بی‌اعتنا نبودن و مشارکت همگانی در همه امور
	مشارکت و نظارت همگانی	امر به معروف و نهی از منکر مشارکت و نظارت همگانی
	حق انتخاب	حق انتخاب مشارکت اکثریت مردم برای انتخاب اصلح
	حق نظارت و انتقاد	حق نظارت و انتقاد



مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
آزادی احزاب مشارکت شهروندان در سیاست	آزادی احزاب	
امنیت سیاسی برابری در برابر قانون	امنیت سیاسی	
دموکراسی اسلامی برابری میان مردم تعیین‌کنندگی رأی مردم	دموکراسی اسلامی	
عدالت اقتصادی عدالت قضایی	استقرار عدالت قضایی و اقتصادی	
حمایت از محرومان و مستضعفان	حمایت از محرومان و مستضعفان	
از بین بردن شکاف طبقاتی	از بین بردن شکاف طبقاتی	
کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی نظارت بر تنظیم بازار تخصیص بهینه منابع تجارت خارجی با در نظر گرفتن اصل استقلال و خودکفایی و جلوگیری از مونتاز حمایت از صنایع داخلی	کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی	
ارتباط عاطفی بین مردم و دولت همگامی دولت و ملت	ارتباط عاطفی بین مردم و دولت	
حاکمیت بر قلوب مردم بدون تزلزل	حاکمیت بر قلوب مردم بدون تزلزل	
فرهنگ مبارزه با فساد اصلاحات در زمینه‌های اقتصادی،	فرهنگ مبارزه با فساد	

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
		سیاسی، اجتماعی و فرهنگی براساس معیارهای اسلامی
	قانون‌مداری الهی	قانون‌مداری الهی التزام به قواعد و قانون امتزاج حق طبیعی و فطری با حق شرعی و الهی
	آزادی منطقی و الهی	آزادی منطقی و الهی اسلام و آزادی با هم
	التزام به ولایت فقیه	التزام به ولایت فقیه ولی فقیه ضامن حفظ اسلام
مضامین برگرفته از بیانات و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)		
شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی (مردم‌سالاری دینی)	شاخص اعتقادی و اخلاقی مدیران و مسئولان	سلامت اعتقادی سلامت اخلاقی
	نتیجه‌محوری	سلامت عملکردی
	ولایت‌مداری	ولایت‌مداری
	عدالت‌محوری	عدالت‌محوری
	حاکمیت اسلام	حاکمیت اسلام هدف اسلام و حاکمیت اسلام در ایمان و عمل
	نقش مردم در حکومت	نقش مردم در حکومت مردم‌سالاری دینی
	سعادت مادی و معنوی	سعادت مادی و معنوی پیشرفت مادی و معنوی



مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
		تعالی معنوی و رفاه مادی با هم
	خوداتکایی	خوداتکایی تکیه بر ظرفیت‌ها و استعدادها داخلی
	بهره‌وری نهادها و ساختارهای حکومتی	بهره‌وری نهادها و ساختارهای حکومتی
	قوه مجریه رکن اصلی و بازوی اجرایی	قوه مجریه رکن اصلی و بازوی اجرایی
	ولایت فقیه تعیین‌کننده نقشه راه	ولایت فقیه تعیین‌کننده نقشه راه
	ایمان، شجاعت، پیشگامی و استفاده از ظرفیت‌ها	ایمان، شجاعت، پیشگامی و استفاده از ظرفیت‌ها
	اجرای حدود الهی و استقرار عدالت	اجرای حدود الهی و استقرار عدالت

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

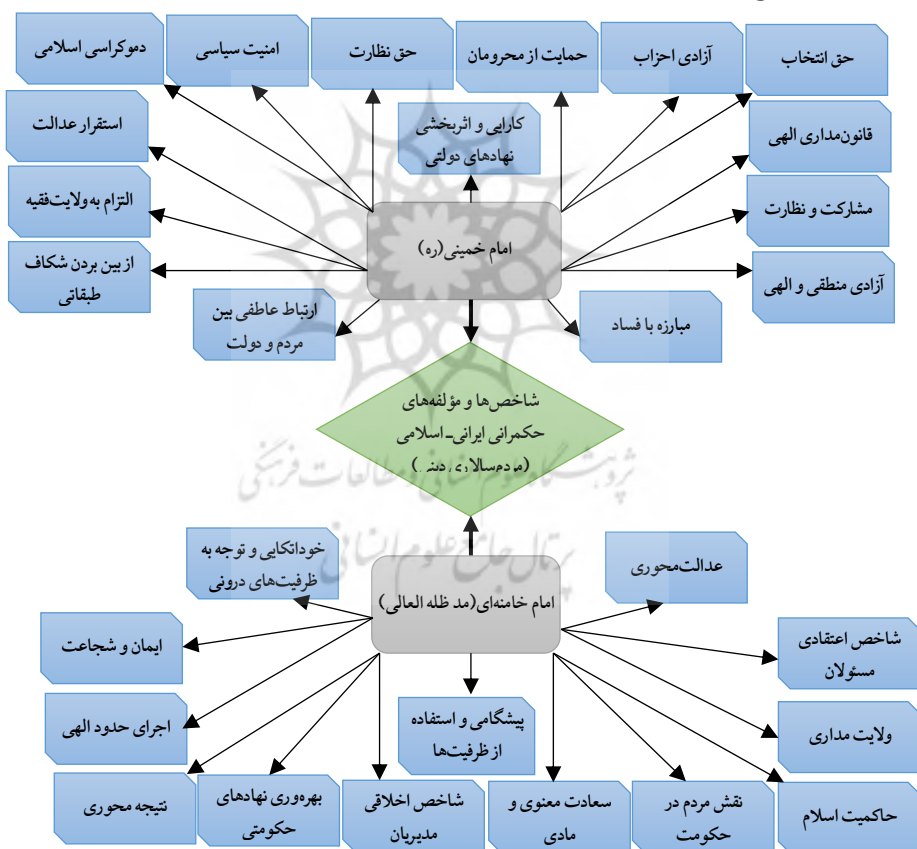
۵-۱. بحث

برداشت رهبر کبیر و فقید جمهوری اسلامی از حکمرانی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی آن است که «در اسلام یک حکومت است و آن حکومت خدا، یک قانون است و آن قانون خدا و همه موظف‌اند به آن قانون عمل کنند». این قانون برای نجات بشر در طول کل تاریخ است و از اصول مسلم و غیرقابل تغییر برخوردار است و مرور زمان آن را از تازگی نمی‌اندازد. منابع مورد استفاده اجتهادی حضرت امام علیه السلام به‌طور عمده اسناد بالادستی از قبیل قرآن و آیات کلام‌الله مجید، استنباط از حدیث و اقوال معصومین و تسلط بر فلسفه، عرفان و رجال و زندگی ائمه از منظر سیره‌شناسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ... بوده است. ایشان با برخورداری از این منظومه فکری دقیق توانسته‌اند به‌عنوان یک نظریه‌پرداز حرفه‌ای اقدام به تشریح مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مد نظر کنند و



با دقت لازم در صحیفه و سایر آثار خود، نظر محققان را بدان جلب کنند. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و ابعاد زندگی این مرد الهی ترجمان خصوصیات و ویژگی‌های امام زنده و حی و حاضری است که تنها این مرد الهی شایستگی نیابتش را در آن دوران داشت و پس.

در این بخش با بهره‌گیری از نظرها و سخنان دو اندیشمند و رهبر بزرگ جهان اسلام، یعنی بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی علیه السلام، و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی (حکمرانی ایرانی-اسلامی) احصا شد که در قالب مدل زیر قابل ارائه است. امید است این الگو مبنایی برای هدایت همه جوامع به سوی مدینه فاضله باشد.



شکل ۱: شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی-اسلامی (مردم‌سالاری دینی)



۲-۵. نتیجه‌گیری

براساس پژوهش صورت گرفته و نتایج حاصل برپایه تحلیل مضمون طبق بیانات و اندیشه‌های رهبری انقلاب اسلامی، ویژگی‌های زیر را می‌توان به‌عنوان شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی (مردم‌سالاری دینی) برشمرد. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی شامل استقرار عدالت، امنیت سیاسی، دموکراسی اسلامی، حق نظارت، حمایت از محرومان، آزادی احزاب، حق انتخاب، قانون‌مداری الهی، مشارکت و نظارت، آزادی منطقی و الهی، مبارزه با فساد و ارتباط عاطفی بین دولت و ملت و کارایی و اثربخشی است. از دیدگاه امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی شامل خوداتکایی و توجه به ظرفیت‌های درونی، عدالت‌محوری، پیشگامی و استفاده از ظرفیت‌ها، شاخص اعتقادی مسئولان، ولایت‌مداری، حاکمیت اسلام، نقش مردم در حکومت، سعادت معنوی و مادی، شاخص اخلاقی مدیران، بهره‌وری نهادهای حکومتی، اجرای حدود الهی، ایمان و شجاعت است.

همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌شود، دیدگاه امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در خصوص شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی بسیار به هم نزدیک است؛ ولی آنچه تا حدودی بین نظرهای ایشان متفاوت است، میزان تأکید بر بعضی از مؤلفه‌ها نسبت به مؤلفه‌های دیگر است. امام خمینی علیه السلام تأکید بیشتری بر کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی دارند و مبارزه با فساد، محور بیشتر بحث‌های ایشان است؛ به‌خصوص که علت اصلی انقلاب اسلامی نیز مبارزه با فساد بود. از نگاه ایشان ارتباط عاطفی بین مردم و دولت عامل قوام و پایداری دولت‌هاست؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام در یکی از نامه‌هایی که به مالک نوشتند به ایشان عرضه داشتند: «در ارتباط با مردم سه مهم را مد نظر داشته باش: رفاه و آسایش مردم، امنیت مردم و اعتماد مردم و چنانچه مجبور شدی دو تا از این دورا انتخاب کنی، آن دو امنیت مردم و اعتماد ایشان باشد و باز هم اگر مجبور شدی که فقط یک مورد را انتخاب نمایی، آن مورد اعتماد بین مردم باشد». بنابراین، اعتماد مردم به حکمران یا بهتر است بگوییم، ارتباط عاطفی بین مردم و دولت بزرگ‌ترین سرمایه هر حکمرانی است که امام خمینی علیه السلام نیز به‌درستی به اهمیت ارتباط عاطفی بین مردم و دولت اشاره می‌کنند. امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) بر اهمیت عدالت‌محوری به‌عنوان بنای شکل‌گیری یک حکومت برخاسته از مردم و مردم‌سالاری تأکید



دارند؛ زیرا حکومت‌ها با فقر باقی می‌مانند، اما با فساد و بی‌عدالتی مسئولین دوام نخواهند آورد. ایشان خوداتکایی و توجه به استعداد و ظرفیت نخبگان جوان انقلابی (نجوا) را رمز پیروزی انقلاب اسلامی در همه عرصه‌های علم و فناوری و پزشکی، هسته‌ای، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و... می‌دانند.

ناگفته نماند هدف این مطالعه مقایسه دیدگاه‌های رهبری انقلاب اسلامی در خصوص مردم‌سالاری دینی نبوده است؛ ولی با توجه به مؤلفه‌ها و ابعاد به‌دست‌آمده، اختلاف نظرهای ایشان در بعضی از ابعاد به نگاه و بینش عمیق ایشان و ملحوظ نظر قرار دادن ضروریات زمانه اشاره دارد. برای نمونه وقتی در مؤلفه‌ها و ابعاد به‌دست‌آمده از بیانات و نظرهای امام‌راحل علیه‌السلام دقیق می‌شویم، می‌بینیم تمام مؤلفه‌ها حول سه باور کلیدی باور به خدا، باور به مردم و باور به خود بوده است که محور حرکت امام در اوایل انقلاب و پیشبرد امور اداره کشور در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ بوده است؛ در حالی که در دوره معاصر، با توجه به اینکه ایران به لطف زعامت مقام معظم رهبری، مرکز توجه جهان است و همین مهم باعث می‌شود که دشمنی‌ها با ایران اسلامی زیاد باشد، برای مقابله با این دشمنی‌ها باید آحاد مردم و مسئولین از ویژگی‌هایی چون ایمان، شجاعت، پیشگامی، ایستادگی بر مبانی نظام، ایستادگی در برابر دشمنان، روزآمدی و نوآوری، وحدت و انسجام ملی، کار و تلاش فداکارانه برخوردار باشند. بسیاری از این ویژگی‌ها در ابعاد به‌دست‌آمده متجلی شده است.

نکته پایانی اینکه براساس دیدگاه و اندیشه‌های امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، تحقق مردم‌سالاری دینی حرکتی تدریجی و عملی است که در هر دوره‌ای شرایط خاص خود را دارد و در صورت توجه به همه ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی ایرانی - اسلامی و تلاش برای محقق کردن آنها در همه عرصه‌ها، مردم‌سالاری دینی به معنای واقعی محقق خواهد شد.

۳-۵. پیشنهادها

در این بخش قبل از ارائه پیشنهادهای کاربردی به‌منظور عملیاتی کردن مدل پژوهش، راهکاری به نظر محققین رسیده است و در این خصوص باید خاطرنشان ساخت معمولاً انجام کارهای بزرگ همیشه با موانع بزرگی مواجه است؛ ولی با توجه به احصای مبانی و اصول و شاخص‌های مطرح‌شده



توسط رهبری انقلاب اسلامی و مشخص کردن دال‌های اصلی و مرکزی براساس اصول و مبانی مطرح‌شده، می‌توان مسیر و راه‌های دستیابی به چنین ویژگی‌هایی را نیز استخراج کرد. البته این مسیر نیازمند شاخص‌گذاری و طراحی سنجه‌هایی برای نیل به چنین هدفی است. اگر بخواهیم پژوهش در این زمینه فقط جنبه علمی صرف به خود نگیرد و به عرصه عمل نیز نزدیک شود، باید این امر را به مثابه منظومه‌ای تعریف کنیم و هر سازمانی آن را با توجه به وضعیت و شرایط خاص خود بومی‌سازی کند و فرایندهای خویش را براساس آن تعریف نماید. در ادامه براساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان برخی پیشنهادها و پژوهشی و عملیاتی مدل را بدین ترتیب ارائه کرد:

- بهره‌گیری از الگوی به‌دست‌آمده در این تحقیق به‌عنوان تلاشی برای طراحی الگوی کلان مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران و اجرا و پیاده‌سازی آن توسط دستگاه‌های اجرایی کشور؛
- پژوهش بنیادی برای توسعه و تعمیق مبانی نظری این الگو، مشتمل بر موضوعات مردم‌سالاری دینی و حکمرانی ایرانی-اسلامی؛
- پژوهش کاربردی به‌منظور توسعه راهبردهای پیاده‌سازی این الگو مشتمل بر راهبردهای نقش‌آفرینی مردم در حکمرانی ایرانی-اسلامی؛
- براساس برداشت ضمنی محققین از بیانات رهبری انقلاب اسلامی پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها به‌منظور فراهم کردن زمینه‌های مردم‌سالاری دینی ویژگی‌هایی نظیر ایمان، پرهیز از سطحی‌نگری، پرهیز از غرب‌گرایی و اتکا به ظرفیت‌های درونی، تلاش حاکمیت، خودباوری، برخورداری از نگاه دینی و اسلامی، استفاده بهینه از ظرفیت نخبگان و دانشمندان و ... را هم در سازمان اشاعه دهند و هم نصب‌العین خود و همکاران کنند.

۶. منابع

۶-۱. منابع فارسی

- آفانصیری، مریم (۱۳۹۰)، «نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای بهره‌وری نیروی کار»، مجلس و پژوهش، ۱۷(۶۳)، ۱۱۱-۱۳۸.
- آذربایجانی، مهدی، علیرضا علی احمدی، عطاءالله رفیعی آتانی و مهدی عبدالحمید (۱۴۰۲)، «الگوی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، دانش سیاسی، ۱۹(۱)، ۱-۲۸.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۸)، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران: نشر دیدار.
- بالوی، مهدی و مهناز بیات کمیتکی (۱۳۹۳)، «اندیشه حکمرانی و مبنای مشروعیت سیاسی دولت از منظر آیت‌الله العظمی امام خمینی»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، ۱۰(۳)، ۵۸۴-۵۴۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، دین‌شناسی، قم: اسراء.
- حاجی حسینی، حجت‌اله، مهدی محمدی، فرهاد عباسی و مهدی الیاسی (۱۳۹۰)، «تحلیل حکمرانی نظام نوآوری ایران برپایه چرخه سیاست‌گذاری نوآوری، سیاست علم و فناوری، ۴(۱)، ۳۳-۴۶.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (ج)، صحیفه نور، جلد بیستم.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (ج)، صحیفه نور، جلد چهاردهم.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (ج)، صحیفه نور، جلد چهارم.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (ج)، صحیفه نور، جلد سوم.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (ج)، صحیفه نور، جلد سیزدهم.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (ج)، صحیفه نور، جلد ششم.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (ج)، صحیفه نور، جلد هشتم.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (ج)، صحیفه نور، جلد هفتم.
- خواجه نائینی، علی (۱۳۹۳)، «درآمدی بر مفهوم حکمرانی شبکه‌ای؛ مطلوبیت‌ها و چالش‌ها»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۶(۳۹)، ۱۵۵-۱۲۹.

درزی، قاسم و پیام صدریه (۱۳۹۴)، «نگرشی میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب؛ زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۴۶، ۱۲۶-۱۰۳.

زارعی، بهادر، سیدعباس احمدی و محسن عابدی درجه (۱۴۰۰)، «الگویابی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی‌های اسلامی»، مجله حکومت اسلامی، ۲۶ (پیاپی ۹۹).

سایت مقام معظم رهبری برگرفته از سایت <http://farsi.khamenei.ir>

سعیدی، مهدی (۱۳۹۳)، «آرای مختلف در باب مردم‌سالاری دینی با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، محمدرضا مرندی، مجموعه مقالات سومین همایش ملی مردم‌سالاری دینی: مقالات علمی - پژوهشی، ج ۱، تهران: دفتر نشر معارف، ۱۵۹-۱۸۵.

شفقت رودسری، آریا و محمدسعی تبرزد (۱۴۰۰)، «ارائه الگوی حکمرانی متعالی اسلامی- ایرانی براساس اندیشه‌های حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری»، حکمرانی متعالی، ۲(۵)، ۷-۴۸.

عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۸)، «ماهیت و شاخص‌های حکمرانی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۷(۱۶)، ۱۲۵-۱۵۵.

قجری، علی و یونس نوربخش (۱۴۰۰)، «مطالعه نسبت مدل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با مدل حکمرانی خوب»، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۹(۱۷)، ۳۹-۶۷.

قهرمان، میثم (۱۴۰۱)، «حکمرانی اسلامی با بهره‌گیری از رویکردی غیر معرفت‌شناختی»، دولت‌پژوهی، ۸(۳۰)، ۹۳-۳۲۱.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضدروش ۱، چ ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مرندی، محمدرضا (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات سومین همایش ملی نظریه مردم‌سالاری دینی: مقالات علمی- پژوهشی، ج ۱، تهران: دفتر نشر معارف.

معدنی، جواد و رضا نجاری (۱۴۰۱)، «واکاوی و تبیین مؤلفه‌های حکمرانی سالم اسلامی در پرتو ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مدیریت اسلامی، ۳۰(۳)، ۱۱۵-۱۴۸.

معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳)، «عدم امکان تحقق دموکراسی دینی به‌جای مردم‌سالاری دینی با تأکید بر نظریه مردم‌سالاری دینی مقام معظم رهبری»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی مردم‌سالاری دینی: مقالات علمی- پژوهشی، ج ۱، تهران: دفتر نشر معارف، ۴۹۳-۵۱۴.

مفتح، محمدهادی، غلامعلی قاسمی و نسرین کردنژاد (۱۳۹۴)، «امکان‌سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲(۲)، ۱۷۵-۱۵۱.

یزدانی زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۴)، ۱۰۹-۱۴۲.

۶-۲. منابع لاتین

Braun, V., & Clarke, V (۲۰۰۶), "Using Thematic Analysis in Psychology". *Qualitative Research in Psychology*, ۳, ۷۷-۱۰۱.

Fukuyama, Francis (۲۰۱۶), "Governance: What Do We Know, and How Do We Know It? Annual Review of Political Science, ۱۹:۸۹-۱۰۵.

Holloway, I. & Wheeler, S (۲۰۱۰), *Qualitative Research in Nursing and Healthcare*, Oxford, UK: Blackwell.

Ives, A (۲۰۱۵), "Neoliberalism and the Concept of Governance: Renewing with an Older Liberal Tradition to Legitimate the Power of Capital", *Open Edition Journal*. ۱۴(۱), ۱-۱۵.

Meuleman, Louis (۲۰۰۸), *Public Management and the Metagovernance of Hierarchies, Networks and Markets: The Feasibility of Designing and Managing Governance Style Combinations*. Heidelberg: Springer.

